

رابطه بین وضعیت اقتصادی حسابرس (درآمد مؤسسات حسابرسی) و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

■ محمدحسین صفرزاده بندری^۱

■ محمدرضا آسیایی^۲

چکیده:

با عنایت به جایگاه حسابرس مستقل، کیفیت گزارش حسابرسی نقش قابل ملاحظه‌ای در بهبود کیفیت گزارشگری مالی ایفا می‌کند. به همین سبب مراجع حرفه‌ای و قانون‌گذاران جهت بهبود کیفیت حسابرسی، کاهش توانایی مدیران شرکت جهت مدیریت سود و به تبع آن افزایش کیفیت گزارشگری مالی و حمایت از حقوق استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی، راهکارهای مختلفی ارائه نموده‌اند. با توجه به اهمیت کیفیت حسابرسی، در این پژوهش به بررسی تاثیر وضعیت اقتصادی موسسه حسابرسی بر مدیریت سود به عنوان شاخص اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی پرداخته شده است. جهت اندازه‌گیری وضعیت اقتصادی حسابرس از شاخص درآمد موسسه حسابرسی و به منظور اندازه‌گیری مدیریت سود، از شاخص‌های مدیریت سود حسابداری و مدیریت سود واقعی، استفاده شده است. با استفاده از نمونه‌ای شامل ۱۰۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ و استفاده از مدل رگرسیون جهت تحلیل داده‌ها، نتایج تحقیق مبین این موضوع است که افزایش درآمد مؤسسات حسابرسی سبب افزایش مدیریت سود تعهدی (مدیریت سود حسابداری) و نیز افزایش مدیریت سود واقعی (مدیریت سود با استفاده از فعالیت‌های واقعی) می‌شود. نتایج این مطالعه اینگونه تفسیر می‌شود که به دلیل اینکه مؤسسات کوچکتر و با درآمد کمتر عموماً در حوزه جغرافیایی شرکت صاحبکار فعالیت مینمایند، شناخت بیشتری نسبت به فعالیت‌های آن داشته که این موضوع سبب افزایش کیفیت حسابرسی می‌شود.

کلمات کلیدی: وضعیت اقتصادی حسابرس، مدیریت سود، کیفیت حسابرسی، درآمد مؤسسات حسابرسی.

۱. استادیار دانشگاه شهید بهشتی تهران

۲. کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسئول، ایمیل: asiayi1365@gmail.com

۱- مقدمه:

یکی از اهداف با اهمیت حرفه حسابرسی، ارائه خدمات با کیفیت به مشتریان می‌باشد. طبق آیین رفتار حرفه‌ای، حسابرس می‌بایستی تمامی عوامل تحدید کننده استقلال خود را شناسایی و ارزیابی نموده و تمهیدات لازم جهت کاهش آن را به سطحی قابل قبول اتخاذ نماید (اریکی و تیجا لایتینن^۱، ۲۰۱۸).

اگرچه علت دقیق شکست‌های حسابرسی نامشخص است لیکن، وابستگی مالی حسابرس می‌تواند حداقل یکی از عوامل شناسایی شده شکست و کاهش کیفیت حسابرسی را توضیح دهد. برخی از مطالعات تجربی دریافته‌اند که وابستگی مالی حسابرس، می‌تواند درک استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی را نسبت به استقلال حسابرسی، کیفیت حسابرسی، قابلیت اتکای گزارشگری مالی و توانایی حسابرس در برابر فشار صاحبکار را مخدوش نماید (نظیر آزل، برادی و پانی^۲، ۲۰۰۶؛ بولین، هابسون و پیرسی^۳، ۲۰۱۵، دانیلز و باکر^۴، ۲۰۰۱، گاتز، لاو و ریکرس^۵، ۲۰۰۷).

طبق مفاد فصل پنجم (استقلال) دستورالعمل موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار، موسسات حسابرسی معتمد در خصوص حفظ استقلال حرفه‌ای، علاوه بر ضوابط آیین رفتار حرفه‌ای جامعه یا سازمان حسابرسی حسب مورد، ملزم به رعایت الزامات ذکر شده در ذیل این فصل می‌باشند. مطابق ماده ۱۵ این دستورالعمل، تحصیل بیش از ۲۵ درصد درآمدهای مؤسسه حسابرسی معتمد از یک صاحبکار یا گروه صاحبکار خاص در یک سال مالی مجاز نیست (دستورالعمل موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۸۶). به باور برخی صاحب نظران، افزایش درآمد موسسات حسابرسی سبب کاهش وابستگی مالی حسابرس به یک صاحبکار خاص شده که این امر بهبود کیفیت حسابرسی و به تبع آن کاهش مدیریت سود را به دنبال خواهد داشت. از طرفی به اعتقاد برخی دیگر، موسسات کوچکتر و با درآمد کمتر، به دلیل فعالیت در حوزه جغرافیایی صاحبکار، از دانش بیشتری نسبت به شرکت مورد گزارش برخوردار خواهند بود که این موضوع سبب افزایش کیفیت حسابرسی و کاهش مدیریت سود می‌شود اریک و تیجا لایتینن، ۲۰۱۸).

شناسایی عوامل تاثیر گذار بر کیفیت حسابرسی و به تبع آن کیفیت گزارشگری مالی، به منظور کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و تضادهای نمایندگی و به تبع آن حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی ضروری می‌باشد؛ با عنایت به وجود نقطه نظرات متفاوت و گاه متضاد در خصوص رابطه بین درآمد موسسات حسابرسی و مدیریت سود (به عنوان شاخص معکوس کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی) و وجود شکاف تحقیقاتی در این ارتباط، در این پژوهش به بررسی تاثیر درآمد موسسات حسابرسی به عنوان

1. Erkki and Teija Laitinen
2. Arel, Brody & Pany
3. Bowlin, Hobson & Piercey
4. Daniels & Booker
5. Gates, Lowe & Reckers

شاخص وضعیت اقتصادی حسابرسان بر مدیریت سود پرداخته شده است. دستاوردهای این مطالعه می‌تواند اطلاعات مفیدی در خصوص تاثیر یکی از ویژگی‌های مهم مرتبط با مؤسسات حسابداری (درآمد مؤسسات) بر کیفیت حسابداری در اختیار قانون‌گذاران و مجامع حرفه‌ای و همچنین سرمایه‌گذاران به منظور اتخاذ تصمیمات لازم قرار دهد. در ادامه به تبیین مبانی نظری مرتبط با موضوع تحقیق، روش تحقیق و نتایج حاصل شده از آزمون فرضیه‌ها پرداخته شده است.

۲- مبانی نظری

۲-۱- مدیریت سود

کاربران صورت‌های مالی از جمله سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، نهادهای حرفه‌ای و قانونی و سایر استفاده‌کنندگان، برای تحلیل وضعیت فعلی و پیش‌بینی عملکرد آتی شرکت، اقدام به تجزیه و تحلیل اطلاعات راجع به بنگاه‌های تجاری می‌نمایند و یکی از مهمترین منابع اطلاعاتی مورد استفاده آن‌ها گزارشات مالی شرکت‌های مزبور می‌باشد. در تهیه و تدوین صورت‌های مالی از استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی استفاده می‌گردد لیکن، در برخی موارد ممکن است گزارشات اشاره شده مطابق با خط‌مشی‌های مدیریت واحد تجاری تهیه شود. این رویه عمل مدیریت که منتج به تغییر گزارشات‌های مالی مطابق با خواست مدیریت می‌گردد، به عنوان مدیریت سود شناخته می‌شود (نورمن^۱، ۲۰۱۳). شیوه‌های مختلف مدیریت گزارشگری مالی، منجر به افشای اطلاعات خلاف واقع شده و این رویه برای کاربران صورت‌های مالی بسیار زیان آور بوده و سبب این موضوع می‌شود که نتوانند عملکرد واقعی شرکت را مشاهده نمایند.

به دلیل اینکه گزارشات مالی به صورت گسترده مورد استفاده‌ی تحلیل‌گران و سایر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی قرار می‌گیرد، میزان سودمندی و کیفیت آن اغلب مورد توجه دانشگاهیان، محققان و مجامع حرفه‌ای قرار داشته است. همچنین تحقیقات گسترده‌ای در خصوص عوامل موثر بر کیفیت گزارشگری مالی صورت پذیرفته و مبین تاثیر منفی مدیریت سود بر کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد (هپ^۲ و همکاران، ۲۰۱۳).

به باور لینوکس^۳ (۱۹۹۹) مدیریت سود زمانی اتفاق می‌افتد که مدیریت در گزارشگری مالی از قضاوت استفاده می‌کند تا گزارش‌های مالی را در راستای تحقق اهداف مشخص تغییر دهد تا برخی از ذینفعان را در مورد عملکرد اقتصادی شرکت گمراه کند یا بر نتایج قراردادی که به اعداد حسابداری گزارش شده بستگی دارد، تاثیر بگذارد. در میان ابزارهای نظارتی مختلفی که توانایی مدیران را برای دستکاری سود گزارش شده محدود می‌کند، استفاده از حساب‌رسان مستقل به عنوان یکی از مؤثرترین راه‌ها برای بهبود اعتبار گزارشگری مالی در نظر گرفته می‌شود (باکر^۴، ۲۰۱۸).

1. Nuryman

2. Hope

3. Lennox

4. Booker

۲-۲- وابستگی مالی، استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی

برخی از صاحب نظران نگرانی خود را در خصوص وابستگی اقتصادی حسابرس و تعاملاتی که با صاحبکار به تبع این وابستگی شکل می‌گیرد ابراز داشته اند (داتی^۱، ۲۰۱۲). مطابق برخی از نظریه‌های اقتصادی در خصوص استقلال حسابرس، حسابرسانی که بخش عمده ای از درآمد خود را از یک مشتری خاص کسب می‌کنند، ممکن است به منظور حفظ این مشتری استقلال خود را نادیده گرفته و مطابق با نظر مشتری اقدام به صدور گزارش حسابرسی نماید (دی آنجلو، ۱۹۸۱؛ فرانسیس، ۲۰۰۱). با وجود اینکه سهامداران عمدتاً از اندازه حسابرس به عنوان شاخص اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی استفاده می‌کنند لیکن، برخی از محققین (نظیر دی آنجلو^۲، ۱۹۸۱) از شاخص وابستگی حسابرس به صاحبکار و اهمیت یک مشتری برای حسابرس، به عنوان شاخص کیفیت حسابرسی استفاده نموده اند (باکر، ۲۰۱۸).

افزایش درآمد حسابرس می‌تواند میزان وابستگی وی به یک صاحبکار را کاهش دهد. هنگامی که وابستگی اقتصادی حسابرس به یک صاحبکار خاص افزایش می‌یابد، ممکن است این تردید شکل گیرد که حسابرس در مواجهه با اختلافاتی که طی فرایند حسابرسی با صاحبکار ایجاد می‌شود، در برابر فشار مدیریت کمتر مقاومت نموده و تحت چنین شرایطی استقلال حسابرس و به تبع آن کیفیت حسابرسی مخدوش شود (گل^۳؛ ۱۹۹۱؛ ماتز و شرف^۴، ۱۹۶۱). این پدیده در سطوح بالای تصمیم‌گیری در یک موسسه حسابرسی اتفاق می‌افتد؛ سطحی از مدیریت موسسه حسابرسی که مسئول تعامل با مشتریان و صدور گزارش حسابرسی می‌باشد (باکر، ۲۰۱۸). از طرفی نتایج برخی از مطالعات نشان می‌دهد که بین وابستگی اقتصادی حسابرس، استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی رابطه معنی داری وجود ندارد؛ نتایج این مطالعات از مفهوم حفاظت از شهرت حمایت می‌نماید (نظیر کرلر و برندون^۵، ۲۰۱۰؛ اشنایدر، ۲۰۱۰؛ گاور و پاترسون^۶، ۲۰۰۷ و ...). با این حال نتایج برخی تحقیقات مبین این موضوع است که حسابرسانی که از لحاظ اقتصادی به صاحب کاران خود وابستگی بیشتری دارند، نسبت به سایر موسسات حسابرسی، بیشتر در معرض نفوذ مدیریت شرکت قرار داشته و حتی ممکن است گزارشات حسابرسی را مطابق با خواست صاحبکار صادر نمایند (برندون و مولر^۷، ۲۰۰۶؛ چان، لی و مو^۸، ۲۰۰۶؛ چی^۹ و همکاران، ۲۰۱۲). نتایج تحقیق اشنایدر (۲۰۱۱) مبین این موضوع است که از دیدگاه سرمایه‌گذاران، افزایش وابستگی درآمد حسابرس به صاحبکار، تاثیری منفی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری آن‌ها دارد.

1. Doty
2. DeAngelo
3. Gul
4. Mautz & Sharaf
5. Kerler & Brandon
6. Gaver & Paterson
7. Brandon, D. M. , & Mueller
8. Chan, K. H. , Lin, K. Z. , & Mo
9. Chi

۲-۳- بسط فرضیه‌های تحقیق

در ادبیات حسابرسی، کیفیت حسابرسی در قالب یک تابع احتمال (شرطی) تعریف می‌شود مینی بر اینکه حسابرس، تحریفات موجود در صورت‌های مالی را کشف نموده و آن‌ها را گزارش نماید (دی آنجلو، ۱۹۸۱). مهمترین تحقیقات انجام شده با رویکرد کیفیت حسابرسی، مطالعه تاثیر، اندازه مؤسسات حسابرسی (به عنوان مهمترین عامل مرتبط با وضعیت اقتصادی حسابرس) بر کیفیت حسابرسی است. بسیاری از این تحقیقات از رابطه مثبت بین اندازه مؤسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی پشتیبانی می‌کنند (باکر، ۲۰۱۸). دی آنجلو (۱۹۸۱) معتقد است که مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ‌تر، انگیزه قوی‌تری برای ارائه حسابرسی با کیفیت بالاتر دارند؛ زیرا علاقه‌مند هستند که شهرت بهتری در بازار به دست آورند. همچنین از آن‌جا که تعداد مشتریان مؤسسات بزرگ، زیاد بوده و سطح درآمدی بالاتری دارند، نگران از دست دادن مشتری نیستند. تصور بر این است که چنین مؤسساتی به دلیل دسترسی به منابع مالی و امکانات بیش‌تر برای آموزش حسابرسان خود و انجام آزمون‌های مختلف، خدمات حسابرسی را با کیفیت بالاتری ارائه می‌کنند. همچنین به باور برخی محققین، در مؤسسات حسابرسی کوچک‌تر، ممکن است اهمیت نسبی یک مشتری از نظر اقتصادی برای حسابرس بیشتر بوده و به سبب وابستگی اقتصادی، استقلال حسابرس به خطر بیفتد (کامپریس و هانگ^۱، ۲۰۱۵). با کاهش کیفیت حسابرسی، انعطاف پذیری مدیریت شرکت جهت پیگیری سیاست‌های جسورانه در زمینه گزارشگری مالی افزایش یافته و به تبع آن کیفیت گزارشگری مالی کاهش می‌یابد. نتایج مطالعه کاهان^۲ و همکاران (۲۰۲۰) در خصوص تاثیر ادغام مؤسسات حسابرسی (افزایش اندازه مؤسسات) بر کیفیت حسابرسی نشان می‌دهد که ادغام مؤسسات حسابرسی، سبب افزایش حق‌الزحمه حسابرس و بهبود کیفیت حسابرسی می‌شود.

به باور برخی صاحب نظران حسابرسان بزرگ‌تر و با درآمد بیشتر، انگیزه و توانایی بیشتری به منظور حفظ استقلال و ارائه خدمات با کیفیت در راستای حفظ شهرت خود دارند (عفیفی، ۲۰۰۹). پائوزا و همکاران (۲۰۱۴) به این موضوع اشاره کرد که مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر به دلیل در اختیار داشتن منابع مالی بیشتر نسبت به مؤسسات حسابرسی کوچک‌تر، در تکمیل کار حرفه‌ای خود و ارائه خدمات حسابرسی از کارایی بیشتری برخوردار هستند. نتایج تحقیق شوکری و اسلام (۲۰۱۲) مبین این موضع است که شرکت‌های حسابرسی شده توسط حسابرسان بزرگ، گزارشات مربوط تر و به موقع‌تری را ارائه نموده اند. همچنین اریک و تیجا لایتینن^۳ (۲۰۱۸) به بررسی این موضوع پرداختند که آیا رابطه معنی داری بین پیوندهای اقتصادی حسابرس و صاحبکار با تعهد کاری حسابرس، استقلال حسابرس و در نهایت کیفیت حسابرسی وجود دارد یا خیر؟ و وضعیت اقتصادی حسابرس چگونه می‌تواند به عنوان حفاظی در برابر فشارهای صاحبکار محسوب شود. نتایج این پژوهش مبین این موضوع است که افزایش وابستگی

1. Comprix and Huang

2. Cahan

3. Erkki K. and TeijaLaitinen

اقتصادی سبب کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود. ضمن آنکه نتایج نشان دهنده این موضوع است وضعیت اقتصادی حسابرس (میزان درآمد موسسه حسابرسی) سبب تعدیل رابطه بین وابستگی اقتصادی و کیفیت حسابرسی می‌شود. نتایج حاصل شده اینگونه تحلیل شده که موسسات بزرگ، منابع مالی بیشتری در اختیار داشته و قادرند نیروی انسانی توانمندتری را جهت حسابرسی به کار بگیرند.

موسسات بزرگ و با درآمد بالا، از لحاظ اقتصادی وابستگی کمتری به یک مشتری داشته و توانایی بیشتری جهت مقابله با فشار صاحبکار را خواهند داشت. حسینی و جهانشاد (۱۳۹۶) به بررسی رابطه میان محافظه کاری حسابداری و وابستگی اقتصادی حسابرس پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد رابطه ای منفی میان محافظه کاری حسابداری و وابستگی اقتصادی حسابرس وجود دارد. اینگونه تحلیل می‌شود که ریسک کاهش درآمد در نتیجه از دست دادن یک مشتری خاص برای موسسات حسابرسی با وضعیت اقتصادی مطلوب تر، کمتر بوده و در نتیجه انتظار بر این است این موسسات، استقلال خود را حفظ نمایند. نتایج برخی تحقیقات حاکی از اختلال در استقلال حسابرس در نتیجه کاهش درآمد حسابرسی و شکل گیری وابستگی اقتصادی حسابرس می‌باشد (نظیر فرانکل و همکاران، ۲۰۰۲ و کنچل و همکاران، ۲۰۱۳). با این وجود، در برخی از مطالعات هیچ شواهدی در این ارتباط وجود ندارد (دی فوند و همکاران، ۲۰۰۲ و هاردیس و همکاران، ۲۰۱۲).

هرچند نتایج برخی مطالعات در سالیان گذشته مبین افزایش کیفیت حسابرسی در نتیجه افزایش درآمد موسسات حسابرسی می‌باشد لیکن، وضعیت محیط حرفه ای حسابرسی و شاخص‌های تاثیر گزار بر کیفیت حسابرسی، در سالیان اخیر دچار تغییراتی شده است. به عنوان مثال پس از کشف فسادهای مالی بزرگ در مورد شرکت‌های انرون^۱ و وردکام^۲ و برخی شرکت‌های دیگر در سال ۲۰۰۲، قانونی به نام ساربنز-اکسلی^۳ به تصویب کنگره ایالات متحده رسید. این قانون جهت افزایش کیفیت حسابرسی و حمایت از حقوق سرمایه گذران چرخش موسسات حسابرسی را الزامی نمود. در ایران نیز سازمان بورس و اوراق بهادار تهران در تاریخ ۸ مرداد ۱۳۸۶، دستورالعمل موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار را که چرخش منظم موسسات حسابرسی را در دوره‌های زمانی چهار ساله الزامی می‌نماید، تصویب کرد. کاپلن^۴ و همکاران (۲۰۰۸) بر این باورند که تهدید استقلال حسابرس از نظر تئوریک ممکن است از فشارهای اقتصادی و یا اجتماعی نشات گرفته باشد. بر اساس تئوری اقتصادی، موسسه حسابرسی به منظور کسب منافع بیشتر در تلاشند که ارتباطی مستمر با صاحبکار داشته باشند. چرخش حسابرس باعث می‌شود جریان سودهای آتی حسابرس محدود شده و انگیزه‌های اقتصادی جهت مخدوش شدن استقلال حسابرس کاهش یابد. با کاهش مشوق‌های اقتصادی و الزامی بودن یک

1. Enron
2. Worldcom
3. Sarbanes – Oxley
4. Kaplan

بازه زمانی محدود برای ارتباط بین حسابرس و صاحبکار، انتظار می‌رود که استقلال و به تبع آن کیفیت حسابرسی افزایش یابد. در همین راستا باکر و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی تاثیر وابستگی مالی حسابرس بر رابطه بین چرخش حسابرس و کیفیت حسابرسی پرداختند. هرچند نتایج تحقیق مبین این موضوع است که از دیدگاه اعتبار دهندگان، وابستگی مالی حسابرس سبب کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود لیکن نتایج اضافی نشان دهنده تاثیر مثبت چرخش حسابرس بر کیفیت حسابرسی در شرایط وابستگی مالی حسابرس می‌باشد. لذا برخی نگرانی‌ها در خصوص کاهش استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی در نتیجه کاهش درآمد موسسات حسابرسی وجود داشت، با اجباری شدن چرخش موسسات حسابرسی مرتفع شده است.

از طرفی، نتایج مطالعه صورت گرفته توسط لارنس، مینوتی مزا و زانگ^۱ (۲۰۱۱) نشان داد که تفاوت در کیفیت حسابرسی بین حسابرسان بزرگ و سایر موسسات حسابرسی، به احتمال زیاد به ویژگی‌های مشتری به ویژه اندازه شرکت، مربوط می‌شود. آنها دریافتند که پس از کنترل ویژگی‌های مشتری، تفاوت کیفیت حسابرسی بین این دو گروه حسابرسان از بین می‌رود. بون، خورانا و رامان^۲ (۲۰۱۰) تفاوت معنی داری در کیفیت حسابرسی (اندازه‌گیری با استفاده از اقلام تعهدی غیرعادی تعدیل شده) بین چهار موسسه حسابرسی بزرگ و حسابرسان با اندازه متوسط پیدا نکردند. در همین راستا آپیا^۳ (۲۰۲۰) به بررسی رابطه شهرت شرکت و شدت پوشش رسانه‌ای عملیات آن با تلاش حسابرس و کیفیت حسابرسی پرداختند. نتایج مطالعه یاد شده نشان می‌دهد که حسابرسان با افزایش بودجه حسابرسی (تلاش حسابرسی بالاتر)، ریسک کاهش کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های مشهور تر را کاهش داده و به عبارتی با افزایش شهرت شرکت، کیفیت حسابرسی بهبود می‌یابد. بدیعی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی تاثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر حق الزحمه حسابرسی، نرخ وقفه گزارش حسابرسی و اندازه حسابرس پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که متغیرهای اندازه هیات مدیره، مدیران غیر اجرایی و اثربخشی کمیته حسابرسی بر نرخ حق الزحمه حسابرسی تاثیر مثبت و معنی داری دارند و متغیرهای دوگانگی نقش (مدیرعامل)، سواد مالی مدیران، تمرکز مالکیت و نوع رشته فعالیت شرکت اثر منفی و معنی داری بر حق الزحمه حسابرسی دارند. همچنین متغیرهای مدیران غیر اجرایی، اندازه کمیته حسابرسی و اندازه شرکت اثر مثبت و معنی داری بر وقفه گزارش حسابرسی دارند و متغیرهای اندازه هیات مدیره، دوگانگی نقش (مدیرعامل) و سودآوری شرکت اثر منفی و معنی داری بر وقفه گزارش حسابرسی دارند و متغیرهای استقلال هیات مدیره و وجود حسابرس داخلی اثر مثبت و معنی داری بر اندازه حسابرس دارند. همچنین بدیعی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی تاثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر حق الزحمه حسابرسی، نرخ وقفه گزارش حسابرسی و اندازه حسابرس پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که متغیرهای اندازه هیات مدیره، مدیران غیر اجرایی و اثربخشی کمیته حسابرسی بر نرخ حق الزحمه حسابرسی

1. Lawrence, Minutti-Meza & Zang

2. Boone, Khurana, & Raman

3. Appiah

تأثیر مثبت و معنی داری دارند و متغیرهای دوغانگی نقش (مدیرعامل)، سواد مالی مدیران، تمرکز مالکیت و نوع رشته فعالیت شرکت اثر منفی و معنی داری بر حق الزحمه حسابرسی دارند. همچنین متغیرهای مدیران غیر اجرایی، اندازه کمیته حسابرسی و اندازه شرکت اثر مثبت و معنی داری بر وقفه گزارش حسابرسی دارند و متغیرهای اندازه هیات مدیره، دوغانگی نقش (مدیرعامل) و سودآوری شرکت اثر منفی و معنی داری بر وقفه گزارش حسابرسی دارند و متغیرهای استقلال هیات مدیره و وجود حسابرس داخلی اثر مثبت و معنی داری بر اندازه حسابرس دارند. موارد یاد شده مبین تأثیر قابل ملاحظه ویژگی‌های شرکت (و نه حسابرس) بر کیفیت حسابرسی و به تبع آن کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد.

برخی شواهد تجربی نشان می‌دهد حسابرسان کوچکتر در شرایط خاص خدمات باکیفیت تری را ارائه می‌دهند (لوئیز^۱، ۲۰۰۵). به باور کامپریکس و هانگ^۲ (۲۰۱۵)، حسابرسان با اندازه کوچکتر، به دلیل اینکه عموماً در حوزه جغرافیایی مشخص فعالیت میکنند، دانش بهتری از بازار حسابرسی محل فعالیت خود داشته و ارتباطات نزدیکتری با شرکت‌ها دارند که این موضوع، سبب بهبود کیفیت و کارایی حسابرسی می‌شود. نتایج تحقیق پیری و همکاران (۱۳۹۲) در خصوص رابطه اندازه موسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی نشان می‌دهد اندازه موسسه حسابرسی رابطه منفی معناداری با کیفیت حسابرسی دارد. این ارتباط منفی نشان می‌دهد موسسات حسابرسی بزرگ و دارای تعداد صاحبکار بالا، در مقایسه با موسسات حسابرسی کوچک و دارای تعداد صاحبکار کم از کیفیت حسابرسی پایین تری برخوردارند. مراتب فوق از فرضیه تأثیر منفی اندازه حسابرس بر کیفیت حسابرسی حمایت می‌کند. لازم به ذکر اینکه پس از شکست‌های حسابرسی در سال‌های گذشته و تصویب قانون ساربنز اکسلی (در ایران دستورالعمل موسسات حسابرسی معتمد بورس)، ضوابطی نظیر چرخش اجباری حسابرسان تصویب شد و موجب گردید، نگرانی‌هایی که قبل از آن در خصوص کیفیت حسابرسی موسسات کوچکتر وجود داشت، تا حدودی از میان برود.

با عنایت به مباحث مطرح شده فوق، انتظار بر این است که میزان درآمد موسسه حسابرسی به عنوان شاخصی جهت اندازه‌گیری وضعیت اقتصادی و اندازه حسابرس، کیفیت حسابرسی و به تبع آن مدیریت سود را تحت تأثیر قرار دهد. در همین راستا فرضیه پژوهش به شرح ذیل صورت‌بندی شده است:

فرضیه پژوهش: بین وضعیت اقتصادی حسابرس و مدیریت سود رابطه معنی داری وجود دارد.

در تحقیقات گذشته، شاخص‌های مختلفی جهت اندازه‌گیری مدیریت سود معرفی شده است. در این پژوهش به تبع پژوهش واندرا^۳ و همکاران (۲۰۱۵)، جهت اندازه‌گیری مدیریت سود از

1. Louis
2. Comprix and Huang
3. Vander

دو شاخص مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی (مدیریت سود حسابداری) استفاده شده است. لذا فرضیه فوق به وسیله دو فرضیه ذیل، عملیاتی می‌گردد:

$H1$: بین وضعیت اقتصادی حسابرسان و مدیریت سود حسابداری رابطه معنی داری وجود دارد.

$H2$: بین وضعیت اقتصادی حسابرسان و مدیریت سود واقعی رابطه معنی داری وجود دارد.

۴- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت، یک پژوهش توصیفی با تاکید بر روابط همبستگی است، زیرا از یک طرف وضع موجود را بررسی می‌کند و از طرف دیگر، رابطه بین متغیرهای مختلف را با استفاده از تحلیل رگرسیون، تعیین می‌نماید. علاوه بر این، در حوزه مطالعات پس رویدادی (استفاده از اطلاعات گذشته) قرار می‌گیرد و مبتنی بر اطلاعات واقعی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و سایر اطلاعات واقعی است. که با روش استقرایی به کل جامعه آماری قابل تعمیم خواهد بود. مضافاً در پژوهش حاضر برای تعیین نمونه آماری، از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است. بدین منظور آن دسته از شرکت‌های جامعه آماری که شرایط زیر را دارا باشند به عنوان نمونه آماری انتخاب و مابقی حذف می‌شوند:

۱- سال مالی شرکت منتهی به تاریخ پایان اسفند ماه هر سال باشد.

۲- شرکت طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداده باشند.

۳- شرکت‌های تحت بررسی جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ، واسطه‌گری مالی و بیمه نباشند.

۴- اطلاعات و داده‌های آنها در دسترس باشد. در همین راستا شرکت‌های حسابرسان شده توسط سازمان حسابرسان به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات درآمدی آن و نیز ماهیت خاص این حسابرسان (حسابرسان دولتی)، از جامعه پژوهش کنار گذاشته شده است.

در مجموع ۱۰۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار به عنوان نمونه تحقیق انتخاب، و داده‌های آن‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. همچنین قلمرو زمانی پژوهش، بازه زمانی بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ می‌باشد.

۵- اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

۵-۱- متغیرهای وابسته:

در این پژوهش جهت اندازه‌گیری مدیریت سود، از دو شاخص مدیریت سود حسابداری و مدیریت واقعی سود استفاده شده که نحوه اندازه‌گیری هر یک در ادامه ذکر شده است:

۵-۱-۱- مدیریت سود حسابداری (AEM)

یکی از رایج‌ترین معیارهای استفاده شده در ادبیات حسابداری برای اندازه‌گیری مدیریت سود، شاخص اقلام تعهدی اختیاری است. در مطالعه حاضر نیز برای محاسبه مدیریت سود

حسابداری، از شاخص ارقام تعهدی اختیاری استفاده شده است. در همین راستا با استفاده از مدل کاسنیک (۱۹۹۹)، ارقام تعهدی اختیاری در مقاطع زمانی حوزه زمانی پژوهش (۱۳۹۳-۱۴۰۰) برآورد شده و باقی مانده مدل به عنوان معیار مدیریت سود تعهدی (معکوس کیفیت گزارشگری مالی) استفاده شده است.

(۱)

$$\frac{TA_{it}}{A_{it-1}} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \alpha_2 \left(\left(\frac{\Delta REV_{it}}{A_{it-1}} \right) - \left(\frac{\Delta AR_{it}}{A_{it-1}} \right) \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) + \alpha_4 \left(\frac{\Delta CFO_{it}}{A_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

i شاخص شرکت و t شاخص زمان،

TA سود خالص منهای جریان وجه نقد ناشی از عملیات،

ΔREV تغییر در فروش،

ΔAR تغییر در حساب‌های دریافتنی،

PPE کل اموال، ماشین آلات و تجهیزات،

ΔCFO تغییر در جریان‌های نقدی عملیاتی

A_{t-1} دارایی‌های شرکت در سال قبل تعریف می‌شود.

مقادیر بالاتر قدر مطلق ارقام تعهدی اختیاری، به مدیریت سود بیشتر و کیفیت گزارشگری

مالی پایین تر تعبیر می‌شود.

۱-۲- مدیریت سود واقعی (REM):

مطابق با روش رویچادوری (۲۰۰۶) و لی و ژانگ (۲۰۱۴) از سه معیار ۱- هزینه‌های تولید

غیرعادی ۲- مخارج اختیاری غیرعادی و ۳- سطوح غیرعادی جریان نقد عملیاتی؛ برای محاسبه

مدیریت واقعی سود استفاده می‌گردد. برای محاسبه هزینه‌های تولید غیرعادی، ابتدا مدل زیر را

در سطح کلیت داده‌ها تخمین می‌زنیم:

(۲)

$$PROD_{i,t}/A_{i,t-1} = \alpha_0 + \alpha_1(I/A_{i,t-1}) + \alpha_2(S_{i,t}/A_{i,t-1}) + \alpha_3(\Delta S_{i,t}/A_{i,t-1}) + \alpha_4(\Delta S_{i,t-1}/A_{i,t-1}) + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن $A_{i,t-1}$: نشانگر اندازه شرکت i در سال $t-1$ است؛ St : نشانگر فروش شرکت i در

سال t است؛ $Si,t/\Delta$: برابر است با فروش شرکت i در سال t منهای فروش شرکت i در سال $t-1$ ؛

$PROD$: حاصل جمع بهای تمام شده کالای فروخته شده و تغییر در موجودی کالا می‌باشد.

پس از تخمین ضرایب در سطح کلیت داده‌ها، برای هر شرکت -سال اقدام به محاسبه مقدار ε و

در واقع، مقدار هزینه‌های تولید غیرعادی می‌نماییم. برای محاسبه مخارج اختیاری غیرعادی نیز مطابق روش فوق، مدل زیر را در سطح کلیت داده‌ها تخمین می‌زنیم:

(۳)

$$DISEXP_{i,t}/A_{i,t-1} = \alpha_0 + \alpha_1(1/A_{i,t-1}) + \alpha_2(S_{i,t}/A_{i,t-1}) + \varepsilon_{i,t}$$

$DISEXP$: نشان‌دهنده هزینه‌های اختیاری (هزینه‌های عمومی و اداری و توزیع و فروش) است.

پس از تخمین ضرایب در سطح کلیت داده‌ها، برای هر شرکت-سال اقدام به محاسبه مقدار ε و در واقع، مقدار مخارج اختیاری غیرعادی می‌نماییم. برای محاسبه جریان نقدی غیرعادی نیز مطابق روش فوق، مدل زیر را در سطح کلیت داده‌ها تخمین می‌زنیم:

(۴)

$$CFO_{i,t}/A_{i,t-1} = \alpha_0 + \alpha_1(1/A_{i,t-1}) + \alpha_2(S_{i,t}/A_{i,t-1}) + \alpha_3(\Delta S_{i,t}/A_{i,t-1}) + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن، CFO جریان نقد عملیاتی مستخرج از صورت جریان وجه نقد است. پس از تخمین ضرایب در سطح کلیت داده‌ها، برای هر شرکت-سال اقدام به محاسبه مقدار ε و در واقع، مقدار جریان نقدی غیرعادی می‌نماییم.

برای محاسبه اثر کلی مدیریت سود واقعی (REM)، به تبعیت از ژانگ (۲۰۱۱) و گانی (۲۰۱۰)، معیاری جامع برای مدیریت سود تعریف می‌نماییم. به این صورت که هزینه‌های غیرعادی تولید را منهای مخارج اختیاری غیرعادی و جریان نقد عملیاتی غیرعادی می‌نماییم و قدرمطلق حاصل را تحت عنوان مدیریت سود واقعی، در مدل قرار می‌دهیم. گفتنی است که مقادیر بالاتر نشانگر مدیریت سود واقعی بیشتر می‌باشد.

۵-۲- وضعیت اقتصادی مؤسسات حسابداری (AR):

در پژوهش حاضر به منظور اندازه‌گیری متغیر وضعیت اقتصادی، از شاخص درآمد سالانه مؤسسات حسابداری استفاده شده است. در همین راستا وضعیت اقتصادی مؤسسه حسابداری عبارت است از لگاریتم طبیعی جمع درآمدهای سالانه مؤسسه حسابداری. لازم به ذکر اینکه اطلاعات مربوط به جمع درآمدهای مؤسسات، از سایت جامعه حسابداران رسمی ایران استخراج شده است.

۵-۳- متغیرهای کنترلی:

اندازه حسابرس ($Biga$): در صورتی که حسابرس شرکت مؤسسه بزرگ (مفید راهبر) باشد

عدد ۱ و در غیر این صورت صفر می‌پذیرد.

تغییر حسابرس (*Rot*): در صورتی که حسابرس شرکت تغییر یافته باشد عدد ۱ و در غیر این صورت صفر می‌پذیرد.

اهرم مالی (*Lev*): عبارت است از جمع بدهی‌ها به جمع دارایی‌های شرکت.
اندازه شرکت (*Size*): برابر است با لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت.
فرصت رشد (*MTB*): یکی دیگر از متغیرهای کنترلی در این پژوهش فرصت رشد شرکت می‌باشد که عبارت است نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام.
عمر شرکت (*Age*): عبارت است از لگاریتم طبیعی فاصله بین تاریخ تأسیس تا تاریخ دوره مورد مطالعه پژوهش.

نوسانات درآمد عملیاتی (*EVOL*): عبارت است از انحراف معیار درآمد عملیاتی هم مقیاس شده طی ۵ سال گذشته.

متغیر مجازی افزایش سرمایه (*SEO*): این متغیر، متغیری مجازی بوده که در صورتی که شرکت طی دوره مورد مطالعه افزایش سرمایه داده باشد، یک و در غیر این صورت صفر می‌پذیرد.

۶- مدل‌های آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از رگرسیون حداقل مربعات عادی (*OLS*) استفاده می‌شود؛ لذا از دو مدل تجربی به شرح ذیل جهت آزمون فرضیه‌ها استفاده می‌شود. جهت آزمون فرضیه اول تحقیق در خصوص رابطه وضعیت اقتصادی حسابرس و مدیریت سود حسابداری، از مدل یک به شرح ذیل استفاده شده است:

(۵)

$$AEM_{it} = \beta_0 + \beta_1 AR_{it+1} + \beta_2 Biga_{it} + \beta_3 Rot_{it} + \beta_4 Lev_{it} + \beta_5 Size_{it} + \beta_6 MTB_{it} + \beta_7 Age_{it} + \beta_8 SEO_{it} + \beta_9 EVOL_{it} + \varepsilon$$

همچنین به منظور آزمون فرضیه دوم در خصوص رابطه وضعیت اقتصادی حسابرس و مدیریت سود واقعی، از مدل دو به شرح ذیل استفاده شده است:

(۶)

$$REM_{it} = \beta_0 + \beta_1 AR_{it+1} + \beta_2 Biga_{it} + \beta_3 Rot_{it} + \beta_4 Lev_{it} + \beta_5 Size_{it} + \beta_6 MTB_{it} + \beta_7 Age_{it} + \beta_8 SEO_{it} + \beta_9 EVOL_{it} + \varepsilon$$

معرفی و نحوه اندازه‌گیری هر کدام از متغیرهای فوق، در بخش اندازه‌گیری متغیرهای

پژوهش ارائه شده است.

۷- یافته‌های پژوهش

۷-۱- آمار توصیفی

آمار توصیفی شامل مجموعه روش‌هایی است که برای جمع‌آوری، خلاصه کردن، طبقه‌بندی و توصیف حقایق عددی به کار می‌رود. در واقع این آمار، داده‌ها و اطلاعات پژوهش را توصیف می‌کند و طرح یا الگوی کلی از داده‌ها برای استفاده سریع و بهتر از آنها به دست می‌دهد. در جدول (۱)، برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها، شامل میانگین، میانه، حداقل مشاهدات، حداکثر مشاهدات و انحراف معیار ارائه شده است. اصلی‌ترین شاخص مرکزی میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است. برای مثال با توجه به جدول (۱) مقدار میانگین برای متغیر اندازه حسابرس حدوداً ۱۰ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته و به طور میانگین ۱۰ درصد شرکت‌های نمونه توسط موسسه مفید راهبر (حسابرس بزرگ) حسابرسی شده‌اند. همچنین میانگین متغیر چرخش حسابرس مبین تغییر حسابرس در حدود ۳۲ درصد شرکت‌های نمونه می‌باشد. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی است که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود میانه متغیرهای رشد و اهرم مالی به ترتیب حدود ۳،۱۴ و ۵۷ درصد می‌باشد که نشان‌دهنده این است که نیمی از شرکت‌های نمونه طی دوره پژوهش دارای رشد بیش از ۳،۱۴ و اهرم مالی بیش از ۵۷ درصد می‌باشند.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	تعداد مشاهدات	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
مدیریت سود حسابداری	AEM	۸۴۰	۰،۱۲۶۲	۰،۰۹۲۱	۰،۴۱۶۳	۰،۰۰۸۶	۰،۱۱۱۰
عمر شرکت	AGE	۸۴۰	۳،۶۰۶۶	۳،۷۱۳۶	۴،۰۴۳۱	۲،۹۴۴۴	۰،۳۳۶۳
وضعیت اقتصادی حسابرس	AR	۸۴۰	۱۱،۱۶۳۴	۱۱،۱۲۰۳	۱۳،۰۴۳۹	۹،۵۶۲۸	۰،۹۷۳۰
اندازه حسابرس	BIGA	۸۴۰	۰،۰۹۶۴	۰،۰۰۰۰	۱،۰۰۰۰	۰،۰۰۰۰	۰،۲۹۵۴
نوسانات درآمد عملیاتی	EVOL	۸۴۰	۰،۱۹۱۴	۰،۱۵۲۵	۰،۴۸۶۲	۰،۰۵۹۱	۰،۱۱۸۹
اهرم مالی	LEV	۸۴۰	۰،۵۸۵۹	۰،۵۷۳۰	۱،۰۳۵۵	۰،۱۹۲۵	۰،۲۲۹۲
فرصت رشد	MTB	۸۴۰	۵،۲۷۱۶	۳،۱۴۷۸	۲۰،۶۳۹۲	۱،۲۷۵۱	۵،۳۳۴۶
مدیریت سود واقعی	REM	۸۴۰	۰،۲۴۹۱	۰،۱۸۵۵	۰،۷۷۳۹	۰،۰۱۶۴	۰،۲۱۳۷
چرخش حسابرس	ROT	۸۴۰	۰،۳۱۷۹	۰،۰۰۰۰	۱،۰۰۰۰	۰،۰۰۰۰	۰،۴۶۵۹
افزایش سرمایه	SEO	۸۴۰	۰،۲۵۸۳	۰،۰۰۰۰	۱،۰۰۰۰	۰،۰۰۰۰	۰،۴۳۸۰
اندازه شرکت	SIZE	۸۴۰	۱۴،۳۵۴۱	۱۴،۳۱۶۵	۱۶،۶۵۱۴	۱۲،۲۲۸۲	۱،۱۵۵۴

۷-۲- بررسی مفروضات مدل رگرسیون خطی

۷-۲-۱- ثابت بودن واریانس جمله خطا (باقیمانده‌ها)

در این مطالعه فرض همسانی واریانس باقیمانده‌ها از طریق آزمون وایت^۱ مورد بررسی قرار گرفت. که نتایج آن در جدول (۲) نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبنی بر وجود همسانی واریانس در مدل‌های پژوهش رد می‌شود. بنابراین، به منظور رفع ناهمسانی واریانس از رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده می‌کنیم.

جدول (۲): نتایج حاصل از آزمون وایت

احتمال	آماره F	مدل‌های پژوهش
۰,۰۰۰۰	۵,۱۵۴۱	$AEMit = \beta_0 + \beta_1 ARit + 1 Controls + \varepsilon$
۰,۰۰۰۰	۴,۳۵۴۸	$REMit = \beta_0 + \beta_1 ARit + 1 Controls + \varepsilon$

۷-۲-۲- عدم وجود هم خطی بین جملات توضیحی

هم خطی به معنای وجود رابطه شدید بین متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل می‌باشد. در این مطالعه برای بررسی عدم وجود هم خطی از معیار عامل تورم واریانس^۲ (VIF) استفاده شد. نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که میزان تورم واریانس متغیرهای مستقل و کنترلی مدل‌های پژوهش در حد مجاز خود قرار داشته و لذا از این بابت مشکلی وجود ندارد.

جدول (۳): نتایج حاصل از آزمون VIF

متغیر	واریانس ضریب	عامل تورم واریانس
AR	۰,۰۰۰۰۲	۱,۵۸۶۵۴
BIGA	۰,۰۰۰۲۴	۱,۳۸۹۴۹
ROT	۰,۰۰۰۰۶	۱,۰۱۴۸۰
LEV	۰,۰۰۰۲۹	۱,۱۰۱۰۲
SIZE	۰,۰۰۰۰۱	۱,۱۳۳۴۵
MTB	۰,۰۰۰۰۰	۱,۱۴۷۲۸
AGE	۰,۰۰۰۱۳	۱,۰۷۶۸۹
SEO	۰,۰۰۰۰۷	۱,۰۴۷۱۴
EVOL	۰,۰۰۱۰۰	۱,۰۶۸۰۶

1. White

2. Variance Inflation Factor (VIF)

۷-۲-۳- نرمال بودن جمله خطا

به منظور آزمون نرمال بودن جمله خطا از آماره آزمون جارکو-بر^۱ استفاده شده است. با توجه به نتایج بدست آمده، فرضیه صفر مبنی بر نرمال بودن جمله خطا در مدل رد می‌شود. با این وجود زمانی که اندازه نمونه به اندازه کافی بزرگ باشد، انحراف از فرض نرمال بودن معمولاً بی‌اهمیت و پیامدهای آن ناچیز است. در شرایط مذکور، با توجه به قضیه حد مرکزی می‌توان دریافت که حتی اگر باقیمانده‌ها نرمال نباشند، آماره‌های آزمون به طور مجانبی از توزیع نرمال پیروی می‌کنند، بدون تورش هستند و از کارایی برخوردارند. لذا با توجه به این مطالب می‌توان فرض نرمال بودن جمله خطا را نادیده گرفت (افلاطونی، ۱۳۹۲).

جدول (۴): نتایج حاصل از نرمال بودن جمله خطا

احتمال	آماره	مدل‌های پژوهش
۰,۰۰۰۰	۳۷,۳۰۷۲	$AEMit = \beta_0 + \beta_1 ARit + I \text{ Contorols} + \varepsilon$
۰,۰۰۰۰	۱۸,۶۲۴۲	$REMit = \beta_0 + \beta_1 ARit + I \text{ Contorols} + \varepsilon$

۷-۳- آزمون فرضیه‌ها

۷-۳-۱- آزمون فرضیه اول

به منظور آزمون فرضیه اول، از نتایج تخمین مدل تحقیق ارائه شده در جدول (۵) بهره گرفته شده است. مقدار احتمال (یا سطح معنی داری) F برابر ۰,۰۰ بوده و چون این مقدار کمتر از ۰,۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود، یعنی مدل معنی دار است. مقدار آماره دوربین-واتسون ۱,۶۹ می‌باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی خطاها (مرتبه اول) را نشان می‌دهد. نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد، تقریباً ۱۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می‌شوند. در حالت کلی نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر وضعیت اقتصادی حسابرسان، ۰,۰۰۸ بوده که نشان دهنده رابطه مثبت وضعیت اقتصادی حسابرسان و مدیریت سود حسابداری می‌باشد؛ که با توجه به سطح معنی داری (۰,۰۱) که کمتر از ۵ درصد می‌باشد، معنی دار می‌باشد. با توجه به موارد فوق، فرضیه اول تحقیق رد نمی‌شود. به عبارتی نتایج تحقیق مبین این موضوع است که با افزایش درآمد موسسه حسابرسان، مدیریت سود افزایش می‌یابد.

جدول (۵): نتایج تخمین مدل اول

متغیر	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	احتمال
مقدار ثابت (عرض از مبدأ)	C	-۰,۱۶۵۲	۰,۰۸۸۶	-۱,۸۶۵۴	۰,۰۶۲۵
وضعیت اقتصادی حسابرسان	AR	۰,۰۰۸۹	۰,۰۰۳۵	۲,۵۴۲۶	۰,۰۱۱۲
اندازه حسابرسان	BIGA	-۰,۰۰۶۱	۰,۰۰۹۴	-۰,۶۴۱۳	۰,۵۲۱۵
چرخش حسابرسان	ROT	۰,۰۰۷۹	۰,۰۰۶۸	۱,۱۶۰۶	۰,۲۴۶۱
اهرم مالی	LEV	-۰,۰۳۴۳	۰,۰۲۷۱	-۱,۲۶۹۱	۰,۲۰۴۸
اندازه شرکت	SIZE	۰,۰۰۴۶	۰,۰۰۳۱	۱,۴۸۰۱	۰,۱۳۹۲
فرصت رشد	MTB	۰,۰۰۴۱	۰,۰۰۱۱	۳,۸۳۸۷	۰,۰۰۰۱
عمر شرکت	AGE	۰,۰۲۲۳	۰,۰۰۷۰	۳,۱۹۶۵	۰,۰۰۱۴
افزایش سرمایه	SEO	۰,۰۱۴۴	۰,۰۱۱۱	۱,۲۹۰۶	۰,۱۹۷۲
نوسانات درآمد عملیاتی	EVOL	۰,۱۲۰۰	۰,۰۱۴۴	۸,۳۴۴۵	۰,۰۰۰۰
ضریب تعیین	۰,۱۵۷۳	ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۱۴۷۷	دوربین- واتسون	۱,۶۹۵۴
آماره F	۱۶,۳۲۴۵	احتمال (آماره F)	۰,۰۰۰۰		

۲-۳-۷- آزمون فرضیه دوم

به منظور آزمون فرضیه دوم، از نتایج تخمین مدل تحقیق ارائه شده در جدول (۶) بهره گرفته شده است. مقدار احتمال (یا سطح معنی داری) F برابر ۰,۰۰۰ بوده و چون این مقدار کمتر از ۰,۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود، یعنی مدل معنی دار است. مقدار آماره دوربین- واتسون ۱,۵۸ می‌باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی خطاها (مرتبه اول) را نشان می‌دهد. نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد، تقریباً ۱۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می‌شوند. در حالت کلی نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر وضعیت اقتصادی حسابرسان، ۰,۰۲ بوده که نشان دهنده رابطه مثبت وضعیت اقتصادی حسابرسان و مدیریت سود واقعی می‌باشد؛ که با توجه به سطح معنی داری (۰,۰۰) که کمتر از ۵ درصد می‌باشد، معنی دار می‌باشد. با توجه به موارد فوق، فرضیه دوم تحقیق رد نمی‌شود. به عبارتی نتایج تحقیق مبین این موضوع است که با افزایش درآمد موسسه حسابرسان، مدیریت سود واقعی افزایش می‌یابد.

جدول (۶): نتایج تخمین مدل دوم پژوهش

متغیر	نماد	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره t	احتمال
مقدار ثابت (عرض از مبدأ)	C	-۰,۴۴۳۳	۰,۱۵۲۹	-۲,۸۹۹۷	۰,۰۰۳۸
وضعیت اقتصادی حسابرس	AR	۰,۰۲۷۹	۰,۰۰۸۶	۳,۲۲۵۳	۰,۰۰۱۳
اندازه حسابرس	BIGA	-۰,۲۱۷۵	۰,۰۳۱۷	-۶,۸۶۹۹	۰,۰۰۰۰
چرخش حسابرس	ROT	-۰,۰۰۶۴	۰,۰۱۶۲	-۰,۳۹۴۶	۰,۶۹۳۳
اهرم مالی	LEV	۰,۴۰۴۲	۰,۰۳۱۲	۱۲,۹۷۰۲	۰,۰۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	۰,۰۰۳۴	۰,۰۰۷۵	۰,۴۵۰۳	۰,۶۵۲۶
فرصت رشد	MTB	-۰,۰۰۲۶	۰,۰۰۱۶	-۱,۶۱۱۹	۰,۱۰۷۴
عمر شرکت	AGE	-۰,۰۵۷۸	۰,۰۲۱۲	-۲,۷۳۱۸	۰,۰۰۶۴
افزایش سرمایه	SEO	۰,۰۰۸۹	۰,۰۱۰۵	۰,۸۴۹۱	۰,۳۹۶۱
نوسانات درآمد عملیاتی	EVOL	۰,۴۷۲۶	۰,۰۶۶۹	۷,۰۶۸۹	۰,۰۰۰۰
ضریب تعیین	۰,۲۱۲۶	ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۲۰۳۶	دوربین- واتسون	۱,۵۸۳۱
آماره F	۲۳,۶۱۹۶	احتمال (آماره F)			۰,۰۰۰۰

۸- نتیجه‌گیری و بحث

با توجه به نقش و جایگاه حسابرس مستقل، کیفیت گزارش وی نقش بسزایی در کیفیت و قابلیت اتکای صورت‌های مالی ایفا می‌کند. به همین جهت مراجع حرفه ای و قانون گذاران جهت افزایش کیفیت و استقلال وی و به دنبال آن حمایت از حقوق استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی، راهکارهای مختلفی ارائه نموده اند. همچنین، استقلال سنگ بنای حرفه حسابرسی و یک عنصر اساسی برای جلب اعتماد استفاده‌کنندگان به گزارش‌های مالی محسوب می‌شود. استقلال و کیفیت حسابرس برای موفقیت حرفه حسابرسی در دراز مدت و نیز حفظ اعتبار حرفه ای حسابرسان ضروری می‌باشد. بنابراین، عوامل تهدید کننده استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی همواره بایستی مورد توجه قرار گیرند. در سالیان اخیر راهکارهای مختلفی از جانب قانون گذاران به منظور افزایش کیفیت حسابرسی و به تبع آن بهبود ویژگی‌های کیفی گزارشگری مالی مطرح شده است. یکی از شناخته شده ترین این راه کارها، دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار می‌باشد. طبق ماده ۱۵ این دستورالعمل، تحویل بیش از ۲۵ درصد درآمدهای مؤسسه حسابرسی معتمد از یک صاحبکار یا گروه صاحبکار خاص در یک سال مالی مجاز نیست. اینگونه استدلال می‌شود حسابرسانی که بخش عمده ای از درآمد خود را از یک مشتری خاص کسب می‌کنند، ممکن است به منظور حفظ این مشتری استقلال خود را نادیده گرفته و مطابق با نظر مشتری اقدام به صدور گزارش حسابرسی نماید. مؤسسات بزرگ و با درآمد

بالا، از لحاظ اقتصادی وابستگی کمتری به یک مشتری داشته و توانایی بیشتری جهت مقابله با فشار صاحبکار را خواهند داشت.

نتایج آزمون فرضیه‌ها مبین افزایش مدیریت سود حسابداری و مدیریت سود واقعی با افزایش درآمد موسسه حسابرسی، می‌باشد. نتایج این پژوهش مطابق با نتایج پژوهش کامپریکس و هانگ (۲۰۱۵) و لوئیز (۲۰۰۵) بوده لیکن مطابق با نتایج مطالعات کاهان و همکاران (۲۰۲۰) و اریک و تیجا لایتینن (۲۰۱۸) نمی‌باشد.

نتایج پژوهش اینگونه تفسیر می‌شود که به دلیل اینکه موسسات کوچکتر و با درآمد کمتر، عموماً در حوزه جغرافیایی شرکت فعالیت می‌نمایند، شناخت بیشتری نسبت به فعالیت‌های صاحبکار داشته که این موضوع سبب افزایش کیفیت حسابرسی و به تبع آن کاهش توانایی مدیریت شرکت جهت دستکاری گزارشگری مالی می‌شود.

از طرفی، طبق استاندارد "کنترل کیفیت در مؤسسات ارائه‌کننده خدمات حسابرسی، سایر خدمات اطمینان‌بخشی و خدمات مرتبط"، مؤسسه حسابرسی برای کسب اطمینان معقول از اینکه الزامات استانداردهای حرفه‌ای، قانونی و مقرراتی رعایت شده و گزارش‌های حسابرسی با کیفیت مناسب صادر می‌شود، باید سیستم کنترل کیفیت مناسبی را طراحی و برقرار نماید. در همین راستا، یکی از اجزای سیستم کنترل کیفیت، نظارت می‌باشد که طبق آن مؤسسه به منظور کسب اطمینان معقول نسبت به مربوط بودن، کافی بودن و اثربخش بودن سیاستها و روشهای مرتبط با سیستم کنترل کیفیت و اجرای آن در عمل، باید سیاستها و روشهای لازم را طراحی و برقرار کند. با افزایش اندازه سازمان، پیچیدگی آن افزایش و کارایی فرایند نظارت کاهش می‌یابد. لذا نتایج این مطالعه اینگونه تحلیل می‌گردد که در موسسات حسابرسی بزرگتر، به دلیل کاهش اثربخشی فرایند کنترل کیفی، سبب کاهش کیفیت خدمات حسابرسی ارائه شده می‌گردد که این موضوع افزایش مدیریت سود در شرکت‌های مورد گزارش را به دنبال دارد.

همچنین، هرچند به باور برخی صاحب نظران، موسسات بزرگتر و با درآمد بیشتر وابستگی کمتری به یک صاحبکار خاص داشته و بهتر می‌تواند در برابر فشارهای صاحبکار برای گزارش جانبدارانه یا خلاف واقع مقاومت نماید لیکن، با تصویب دستورالعمل موسسات حسابرسی معتمد بورس در سال ۱۳۸۶ و اجباری شدن چرخش دوره‌ای حسابرس، شرایط محیط حرفه‌ای حسابرس تغییر نموده است. با الزامی شدن تغییر دوره‌ای حسابرسان (دوره چهار ساله) و محدود شدن دوره تصدی، حسابرس از لحاظ اقتصادی به صاحبکار وابستگی کمتری خواهد داشت و این موضوع سبب افزایش استقلال و کیفیت حسابرسی می‌شود و بخشی از نگرانی‌ها در خصوص کاهش کیفیت حسابرسی در نتیجه کاهش درآمد موسسات حسابرسی، با تصویب دستورالعمل یاد شده مرتفع شده است.

کیفیت خدمات ارائه شده موسسات حسابرسی به خصوص در حوزه خدمات اطمینان بخشی، سنگ بنای حرفه حسابرسی مستقل و عاملی حیاتی در بقای آن می‌باشد. با عنایت به نتایج تحقیق در خصوص افزایش مدیریت سود در نتیجه افزایش درآمد موسسات به عنوان شاخصی

جهت سنجش اندازه آن‌ها که می‌تواند نشان‌دهنده عدم کفایت سیستم کنترل کیفیت مؤسسات بزرگتر باشد، به مؤسسات حسابرسان (به خصوص مؤسسات بزرگتر) توصیه می‌شود نسبت به بهبود فرایندهای داخلی کنترل کیفیت اقدام نمایند. مضافاً به جامعه حسابداران رسمی به عنوان متولی کنترل کیفیت خدمات مؤسسات حسابرسان، توصیه می‌شود نسبت به اتخاذ تدابیری جهت نظارت اثربخش‌تر بر مؤسسات حسابرسان، اقدام نمایند.

به مانند بسیاری از تحقیقات، این تحقیق نیز دارای محدودیتهایی بوده است. به عنوان مثال در این مطالعه، جهت اندازه‌گیری مدیریت سود حسابداری و مدیریت سود واقعی، به ترتیب از مدل‌های کاسنیک (۱۹۹۹) و رویچادوری (۲۰۰۶) استفاده شده؛ در صورت استفاده از سایر مدل‌های اندازه‌گیری مدیریت سود، ممکن بود نتایج متفاوتی حاصل شود. لذا نتایج این پژوهش قابلیت تعمیم به سایر مدل‌های سنجش مدیریت سود را ندارد. همچنین در طول تحقیق نکات جدیدی مطرح شد که می‌تواند ایده خوبی برای تحقیق‌های آینده باشد؛ این پیشنهادها به این شرح است:

- بررسی رابطه بین تعداد شرکای مؤسسات حسابرسان بر کیفیت حسابرسان
- بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت در مؤسسات حسابرسان بر استقلال حسابرسان و کیفیت حسابرسان
- مطالعه تاثیر تجربه مؤسسات (طول عمر مؤسسات حسابرسان) و تجربه مدیران (سابقه مدیران مسئول) بر کیفیت حسابرسان
- بررسی رابطه بین درآمد مؤسسات حسابرسان بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

فهرست منابع

الف- منابع فارسی:

۱. انورخطیبی، سعید؛ برادران حسن زاده، رسول؛ متقی، علی اصغر. ۱۳۹۸. بررسی تاثیر کیفیت حسابرسان از دیدگاه گروه‌های مختلف بر کیفیت گزارشگری مالی، دانش حسابداری و حسابرسان مدیریت، ۸: ۲۴۵، ۲۶۰.
۲. بدیعی، حسین؛ حساس یگانه، یحیی؛ ثقفی، علی؛ باباجانی، جعفر. ۱۳۹۸. آزمون کیفیت حسابرسان و سازوکارهای حاکمیت شرکتی، دانش حسابداری و حسابرسان مدیریت، ۸: ۲۶۱-۲۷۲.
۳. پیری، پرویز؛ شیخ محمدی، امیر؛ جوادی، نعمت اله. ۱۳۹۲. بررسی ارتباط بین اندازه موسسه حسابرسان، تعداد صاحبکاران موسسه حسابرسان با کیفیت حسابرسان، دانش حسابرسان، ۱: ۱۳-۱۷.
۴. حسینی، محیا؛ جهانشاد، آزیتا؛ ۱۳۹۶. وابستگی اقتصادی حسابرسان و محافظه کاری حسابداری، دانش حسابداری و حسابرسان مدیریت، ۶: ۱-۹.
۵. رئیس زاده، سیدمحمدرضا؛ رضانی، جواد؛ ۱۳۹۷. عدم اطمینان محیطی، مدیریت سود و بازده سهام (نقش تعدیل کننده توانایی مدیران)، دانش حسابداری و حسابرسان مدیریت، ۷: ۱۲۱-۱۳۲.
۶. سازمان بورس اوراق بهادار. (۱۳۸۶). دستورالعمل مؤسسات حسابرسان معتمد سازمان بورس اوراق بهادار، تهران.

ب- منابع خارجی:

1. Arel, B., Brody, R., & Pany, K. (2006). Findings on the effects of audit firm rotation on the audit process under varying strengths of corporate governance. *Advances in Accounting*, 22, 1–27.
2. Booker, K. Can clients of economically dependent auditors benefit from voluntary audit firm rotation? An experiment with lenders, *Research in Accounting Regulation*, 45:1-5.
3. Boone, J. P., Khurana, I. K., & Raman, K. K. (2010). Do the Big 4 and the second-tier firms provide audits of similar quality? *Journal of Accounting and Public Policy*, 29(4), 330–352.
4. Bowlin, K. O., Hobson, J. L., & Piercey, M. D. (2015). The effects of auditor rotation, professional skepticism, and interactions with managers on audit quality. *The Accounting Review*, 90 (4), 1363–1393.
5. Brandon, D. M., & Mueller, J. M. (2006). The influence of client importance on juror evaluations of auditor liability. *Behavioral Research in Accounting*, 18, 1–18.
6. Chan, K. H., Lin, K. Z., & Mo, P. L. (2006). A political-economic analysis of auditor reporting and auditor switches. *Review of Accounting Studies*, 11, 21–48.
7. Chi, W., Douthett, E. B., & Lisic, L. L. (2012). Client importance and audit partner independence. *Journal of Accounting and Public Policy*, 31, 320–336.
8. Comprix, J., Huang, H. 2015. Does auditor size matter? Evidence from small audit firms, *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*, 54:1-10.
9. Daniels, B. W., & Booker, Q. (2011). The effects of audit firm rotation on perceived auditor independence and audit quality. *Research in Accounting Regulation*, 23, 78–82.
10. DeAngelo, L. E. (1981). Auditor size and audit quality. *Journal of Accounting and Economics*, 3 (3), 189–199.
11. Doty, J. R. (2012). The future of financial and business reporting from a standards-setting and regulatory perspective. *Research in Accounting Regulation*, 24, 126–131.
12. Erkki, E., & Laitinen, T. (2018). Economic bonding, auditor safeguard and audit quality: Peer review evidence from individual auditors, *Archives of Business Research – Vol.6*, No.1, 43-66.
13. Gates, S. K., Lowe, D. J., & Reckers, P. M. J. (2007). Restoring public confidence in capital markets through auditor rotation. *Managerial Auditing Journal*, 22 (1), 5–17.
14. Gaver, J. J., & Paterson, J. S. (2007). The influence of large clients on office-level auditor oversight: Evidence from the property-casualty insurance industry. *Journal of Accounting and Economics*, 43, 299–320.
15. Gul, F. A. (1991). Size of audit fees and perceptions of auditors' ability to resist management pressure in audit conflict situations. *ABACUS*, 27 (2), 162–172.
16. Hope, O.-K., Wayne, T., Vyas, D., (2013). Financial reporting quality of U.S. private and public firms. *Account. Rev.* 88 (5), 1715–1742.
17. Kaplan, S.W. and Mauldin, E.G. (2008). Auditor rotation and the appearance of independence: evidence from non-professional investors. *Journal of Accounting and Public Policy*, 26, 166-192.
18. Kerler, W. A., & Brandon, D. M. (2010). The effects of trust, client importance, and goal commitment on auditors' acceptance of client-preferred methods. *Advances in Accounting, Incorporating Advances in International Accounting*, 26, 246–258.
19. Lawrence, A., Minutti-Meza, K., & Zang, P. (2011). Can Big 4 versus Non-Big 4 differences in audit-quality proxies be attributed to client characteristics? *The Accounting Review*, 86(1), 259–286.
20. Lennox, C. S. 1999. Non-audit fees, disclosure and audit quality. *European Accounting Review* 8 (2): 239–252.
21. Louis, H. (2005). Acquirers' abnormal returns and the non-Big 4 auditor clientele effect. *Journal of Accounting and Economics*, 40(1–3), 75–99.
22. Mautz, R., & Sharaf, H. (1961). *The philosophy of auditing*. Sarasota, Florida: American



- Accounting Association .
23. Nuryaman, N. (2013), The Influence of Earnings Management on Stock Return and the Role of Audit Quality as a Moderating Variable., Economics and Finance, Vol. 4, No. 2, April 2013.
 24. Schneider, A. (2010). Do client dependence and amount of audit fees affect lending decisions. Managerial Auditing Journal, 25 (5), 444–457.